



## درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۹۵

موضوع جزئی: مسئله سیزدهم - تعلق خمس به رأس المال - نظر مختار مصادف با: ۱۵ ذی الحجه ۱۴۳۷

جلسه: ۳

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در این بود که اگر مالی از راه کسب و تجارت به عنوان سود و ربح باقی مانده، چنانچه بخواهد به عنوان سرمایه یا به تعبیر دیگر رأس المال، مورد استفاده قرار بگیرد، آیا چنین مالی متعلق خمس هست یا نیست؟ یعنی مثلاً از سودی که برایش باقی مانده، بخواهد مقداری را سرمایه‌گذاری کند، بعد از آنکه بخشی را به عنوان مؤونه صرف کرده است، آیا اول باید خمس این باقیمانده را دهد و بعد سرمایه‌گذاری کند؟ یا اینکه رأس المال در صورتی که مورد نیاز باشد از مؤونه محسوب می‌شود و لازم نیست که خمس آن داده شود؟

عرض شد درباره این مسئله، شش احتمال وجود دارد که فقط به پنج احتمال قائل شده‌اند و احتمال ششم قائلی ندارد. در جلسه گذشته این اقوال ذکر شد و اکنون باید دید که از میان این پنج قول کدام قول قابل قبول است و دلیل آن چیست؟ همچنین باید دید که دلیل مردود بودن سایر اقوال چیست.

### حق در مسئله

قبل از بررسی اقوال پنجگانه لازم است یک نکته مهم مورد توجه قرار گیرد و آن نکته این است که در همه این اقوال پنجگانه [چه قول مرحوم سید که معتقد است خمس رأس المال باید داده شود مطلقاً و چه مفصلین که چهار قول دیگر همگی در این مسئله تفصیل داده‌اند] ببینیم آیا بر این مال، صدق مؤونه می‌شود یا نمی‌شود؟ اگر عبارات فقها در همه این پنج گروه مورد توجه قرار گیرد معلوم می‌شود کسانی که مطلقاً قائل شده‌اند به وجوب خمس، [مثل مرحوم سید] معتقد هستند رأس المال جزء مؤونه نیست و آن‌هایی که تفصیل داده‌اند و گفته‌اند در بعضی موارد خمس واجب است و در بعضی موارد واجب نیست، به نظر آن‌ها در بعضی از صور عنوان مؤونه صادق است و در بعضی از صور عنوان مؤونه صادق نیست. پس اینجا لازم نیست به دنبال آیه و روایت بگردیم برای ترجیح یکی از اقوال، اینجا براساس قاعده و ضابطه‌ای که تاکنون بدست آوردیم باید ببینیم عنوان مؤونه بر رأس المال صادق است یا نه تا معلوم شود خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نمی‌گیرد.

سابقاً درباره استثناء مؤونه از خمس به تفصیل بحث شد. عرض شد همه متفق هستند که مؤونه از خمس استثناء شده است و بعضی معتقد هستند مثلاً مسئله شأنیت در مؤونه معتبر است. بنابراین از آن جا که مدار اصلی در این اقوال برای پذیرش یا رد وجوب خمس در رأس المال، بر صدق یا عدم صدق مؤونه استوار است، ناچار هستیم یک مرور اجمالی بر معنای

مؤونه و ما يعتبر فيها، داشته باشیم. یعنی باید دید مؤونه چیست و چه شروطی در آن معتبر است. پس دلیل بررسی این مسئله و دانستن دامنه مفهومی مؤونه این است که اگر مرزها و حدود معنای مؤونه معلوم شود، می توان تشخیص داد که بالاخره رأس المال و سرمایه جزء مؤونه هست که استثناء شده باشد یا اینکه جزء مؤونه نیست که خمس در آن واجب باشد. به همین دلیل باید مراجعه شود به مسئله یازدهم که امام (ره) مؤونه را در آنجا معنا کرده است. من خیلی سریع عبارت ایشان را می خوانم:

«المراد بالمؤونة ما ينفقه على نفسه و عياله الواجب النفقة و غيرهم و منها ما يصرفه في زيارته و صدقاته و جوائزه و هداياه و ضيافته و مصانعاته و الحقوق اللازمة عليه بنذر أو كفارة و نحو ذلك، و ما يحتاج إليه من دابة أو جارية أو عبد أو دار أو فرش أو أثاث أو كتب، بل ما يحتاج اليه لتزويج أولاده و اختنائهم و لموت عياله و غير ذلك مما يعدّ من احتياجات العرفية»<sup>۱</sup>؛

مقصود از مؤونه، هزینه‌هایی است که انسان برای خود و عائله واجب النفقه و غیر واجب النفقه‌اش می‌کند [مثل یتیمی که مخارجش را به عهده گرفته است]، از جمله آنچه در زیارات، صدقات، جوائز، هدایا، میهمانی‌ها و قراردادهایش خرج می‌کند، همچنین حقوقی که با نذر یا کفاره و مانند آن بر او لازم می‌شود، یا آنچه را بدان نیاز دارد از چار یا یا کنیز یا بنده [که امروزه می‌شود ماشین و خدمتکار] یا خانه و فرش و اثاثیه یا کتاب، همچنین آنچه را برای ازدواج فرزندان و ختنه آنها و نیز برای مرگ عائله‌اش به آن نیاز دارد یا غیر اینها از چیزهایی که جزء احتیاجات عرفی او حساب می‌شود [همه این مخارج از مؤونه سال می‌باشند و خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد].

این مسئله با ادله‌اش به تفصیل بیان شد و نظر مشهور هم فی‌الجمله همین است. یک قول ضعیفی هم در این رابطه ذکر شده و آن این است که منظور از مؤونه فقط خورد و خوراک است، یعنی شامل خانه هم نمی‌شود تا چه رسد به زیارت و ... . ملاحظه فرمودید که بنابر نظر مشهور فی‌الجمله و مرحوم امام (ره)، مؤونه عبارت است از هر چیزی که انسان به صورت عرفی به آن احتیاج داشته باشد، از خوراک و پوشاک و مسکن گرفته تا سایر امور؛ لکن امام (ره) بعد از بیان معنای مؤونه اشاره به یک قید و شروط در مورد مؤونه کرده‌اند. عبارت امام (ره) این است:

« نعم يعتبر فيما ذكر الاقتصار على اللائق بحاله دون ما يعدّ سفها و سرفا ، فلو زاد على ذلك لا يحسب منها، بل الأحوط مراعاة الوسط من المئونة المناسب لمثله لا صرف غير اللائق بحاله و غير المتعارف من مثله، بل لا يخلو لزومها من قوة، نعم التوسعة المتعارفة من مثله من المئونة »<sup>۲</sup>؛

البته در آنچه که ذکر شد لازم است که اکتفاء نماید به آنچه که مناسب حال اوست نه آنکه سفاهت و اسراف به حساب آید. پس اگر بر مقدار مناسب حالش بیفزاید [حال از روی سفاهت و اینکه نمی‌داند در چه جایی باید هزینه کند یا از روی اسراف‌کاری]، جزء مؤونه سال حساب نمی‌شود. بلکه احتیاط [مستحب] آن است که در مصارف حدّ وسط آنچه را مناسب مثل خودش هست، رعایت کند نه صرف مخارجی که لایق حال او نباشد و از مثل او متعارف نباشد؛ بلکه لزوم رعایت آن

<sup>۱</sup> - تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۳۵۷.

<sup>۲</sup> - همان.

خالی از قوت نیست. بله! توسعه مخارج [برای اینکه زندگی راحت‌تری داشته باشد]، با این وصف که از مثل او متعارف باشد، از مؤونه حساب می‌شود.

در مورد اعتبار این شرط هم به نحو مطلق، اختلاف شده است؛

عده‌ای مثل امام (ره) عقیده دارند مسئله مطابقت هزینه‌ها با شأن مطلقاً معتبر است.

در مقابل قول امام (ره) برخی از جمله آقای خوبی تفصیل داده‌اند بین امور دنیوی و امور اخروی، مرحوم خوبی فرموده است در امور دنیوی مسئله شأنیت باید رعایت شود، یعنی در حد شأن خودش خرج کند اما در امور اخروی اصلاً مسئله شأن مطرح نیست. یک کسی شأن او این است که سالی یک بار برود زیارت، اما دلش می‌خواهد که بیست بار برود، اینجا مرحوم خوبی فرموده‌اند: هزینه‌هایی که برای زیارت می‌دهد، هر مقدار هم که باشد، جزء مؤونه محسوب می‌شود چون امر اخروی است؛ ولی طبق نظر امام (ره) اگر شأن او این است که سالی یک بار زیارت برود، این یک مورد خمس ندارد اما اگر این فرد ده بار به زیارت رود، نه بار دیگر جزء مؤونه او محسوب نمی‌شود و باید خمس آن را بپردازد.

عده‌ای هم بین هزینه‌های ضروری که اجتناب‌ناپذیر است و هزینه‌هایی که شخص در انجام آن مخیر است و می‌تواند انجام دهد و یا انجام ندهد، تفصیل داده‌اند.

به هر حال یک اختلافی هم در مورد اعتبار این شرط یعنی شأنیت در مسئله مؤونه وجود دارد که سابقاً همه این اقوال مورد بررسی قرار گرفت.

اجمالاً عرض می‌شود که طبق نظر امام (ره)، مؤونه عبارت است از هر چه که شخص در زندگی به آن نیاز دارد، به شرط اینکه مطابق شأن او باشد. نظر مختار هم همین بود و عرض شد که مؤونه یعنی کل هزینه‌های مورد نیاز زندگی که در حد و شأن شخص باشد. از جمله ادله قول مختار در تفسیر معنای مؤونه، می‌توان به مسئله صدق عرفی اشاره کرد؛ چراکه از نظر عرفی مؤونه بر این معنا صدق می‌کند، مضافاً بر اینکه در لغت هم تقریباً این معنا ذکر شده است.

مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید: «إيكال المؤونة و العیال إلى العرف اولى من التعرض لیبائهما و تفصیلهما»؛ اینکه ما معنای مؤونه و نیز معنای عیال را به عرف واگذار کنیم، بهتر از این است که درباره معنای مؤونه و معنای عیال به تفصیل سخن بگوییم. پس بهترین راه این است که این را واگذار به عرف کنیم؛ یعنی اگر ادعا کردیم مؤونه یعنی «جمع مایحتاج الیه الانسان»، برای این است که از نظر عرف مؤونه به این معناست، اگر می‌گوییم هزینه‌هایی که برای مایحتاج انسان داده می‌شود باید مطابق شأن او باشد، این هم به دلیل صدق عرفی مؤونه است. اگر این معیار به خوبی روشن شود به راحتی می‌توان اقوال پنجگانه را بررسی کرد.

اینک با توجه به توضیحاتی که در رابطه با معنای مؤونه عرض شد باید گفت در بین اقوالی که در جلسه گذشته بیان شد، حق با قول دوم یعنی قول مرحوم امام (ره) است.

امام فرمودند در یک صورت سرمایه و رأس المال خمس ندارد و در یک صورت متعلق خمس است. آنجایی که شخص نیاز به این سرمایه دارد، [برای حفظ و جاهت خود یا زندگی و معاش در حدی که مطابق با شأن و موقعیت و منزلت اوست] و بین آنجایی که این سرمایه با این کیفیت مورد نیاز نیست. در صورت اول فرمودند از مؤونه محسوب می‌شود و

خمس ندارد. مثلاً کسی ده میلیون تومان سود برده است و پنج میلیون تومان آن را را هزینه کرده و پنج میلیون تومان دیگر باقی مانده، این شخص برای اینکه بتواند سال آینده زندگی خود را در حد شأن خودش اداره کند نیاز دارد به سرمایه‌گذاری پنج میلیون تومانی در کسب و کارش، حال اگر از این پنج میلیون تومان به عنوان سرمایه استفاده کند، این مبلغ مؤونه محسوب می‌شود و خمس ندارد. یعنی با اینکه این شخص امسال ده میلیون تومان سود کرده خمس نمی‌دهد، زیرا پنج میلیون تومان را هزینه زندگی کرده و به پنج میلیون تومان دیگر برای حفظ و جاهت و موقعیت خودش نیاز داشته تا آن را سرمایه‌گذاری کند؛ اما اگر این شخص نیازی به این موقعیت و این سرمایه برای حفظ و جاهت و معاش ندارد، در این صورت باید خمس دهد و اگر سرمایه‌گذاری کند این پنج میلیون تومان جزء مؤونه محسوب نمی‌شود. این تفصیل با توجه به آنچه که عرض شد حق در مسئله است و سایر اقوال [آن چهار قول دیگر] به نظر مختار مردود است.

بحث جلسه آینده: انشاءالله تبیین و تثبیت قول مرحوم امام و دلیل مردود بودن سایر اقوال در جلسه آینده بررسی می‌شود.  
«الحمد لله رب العالمین»